



این بود انشای من!



حسام آفنوس

دبیر قفسه

📌 کلاس سوم دبستان بودم، کتابی که زندگینامه حکیم ابوالقاسم فردوسی در آن نوشته شده بود را در کلاس توزیع کردند تا بخوانیم و برای هفته بعد خلاصه‌ای انشاگونه از آن بنویسیم. این اولین مواجهه‌ام از طریق یک متن با خالق شاهنامه بود. زندگینامه‌ای که صفحات پایانی آن بعد از گذشت بیش از ۲۰ سال هنوز هم برایم زنده است. بخشی که روایت مرگ فردوسی را بازگو می‌کند و صحنه تشییع پیکری جان سراینده شاهنامه را برای خواننده بیان می‌کند. صحنه‌ای که در آن نشان می‌دهد پیکر فردوسی از یک سوی باغ بیرون می‌رود و کاروان سیم و زر سلطان غزنوی که به جایگاه شاهنامه پی برده از در دیگر باغ داخل می‌شود.

هفته بعد به هر ضرب و زوری بود از یک کتاب شاید حدود ۶۰-۷۰ صفحه‌ای، خلاصه‌ای در حد یک دهم نوشتم تا در کلاس بخوانم. نمی‌دانم هم‌کلاسی‌ها چطور از خلاصه‌نویسی من باخبر شده بودند (بعید نیست خودم قبل از کلاس برایشان انشایم را پرزنت کرده باشم) که در کلاس وقتی خانم یونسی (معلم کلاس سوم دبستان استقلال) خبر داد که چون درس عقب است این رنگ انشا نداریم بچه‌ها با خواهش از او خواستند اجازه دهند آفنوس انشایش را بخواند. این گونه شد که دقایقی مانده به زنگ، من پای تخته ایستادم و خلاصه‌ام از کتاب را در پیشگاه معلم و هم‌کلاسی‌هایم خواندم و پس از اتمام آن با تشویق معلم و هم‌سالگرمی‌ها روبه‌رو شدم.

این خاطره شیرین از مواجهه من و فردوسی که با نمره بیستی در دفترم ثبت شد هیچ‌گاه از ذهنم پاک نشد. ولی زنجیر ارتباط من با فردوسی هم در حد همان یک حلقه ماند و دیگر بر حلقه‌های آن اضافه نشد. نه مدرسه و نه معلم کلاس سوم که همواره به نیکی از او یاد می‌کنم و حتی نه خانواده، هیچ‌کدام زمینه عمیق شدن پیوند من را با فردوسی و اثر مهم و بزرگش فراهم نکردند. سطح شناخت من از فردوسی محدود به همان کتابی که نمی‌دانم نامش چه بود ماند و افزون بر آن اطلاعاتی که در کتب درسی ارائه می‌شد دایره شناخت من از فردوسی بود. این که رستم و سهراب چه شدند، زال که بود یا ماجرای هفت‌خوان (آن هم نه همه هفت‌خوان بلکه یکی دو خوان) از چه قرار بود، تمام شناخت من از بزرگ‌ترین اثر اسطوره‌ای و حماسی زبان مادری‌ام بود. این که چه کسانی مقصر بودند و من را تشویق نکردند (با وجود علاقه‌ای که وجود داشت و انشای مذکور شاهی بر این مدعاست، چرا که دیگر هم‌کلاسی‌های کلا کتاب را نخوانده بودند یا اگر خوانده بودند، چیزی ننوخته بودند)، ولی هرچه بود تا سال‌ها من و جناب فردوسی کاری به کار هم نداشتیم و امروز با خودم می‌گویم اگر یک نفر کتاب دوم را به دستم داده بود، چه می‌شد؟

ب بسم ا...

۲
فصل
زمیمه کتاب و داستان روزنامه جام جم
سه‌شنبه ۲۴ اردیبهشت ۹۸ شماره ۲۴



مروری بر رمانی
که بر اساس شاهنامه خلق شده است

علیه ضحاک

📌 هری پاتر، ارباب حلقه‌ها، بازی تاج و تخت و... تنها برخی از آثاری است که با رویکرد اساطیری در ژانر فانتزی خلق شده و نویسنده کوشش کرده با روایتی فانتزی از اساطیر و نقش آنها در نظام فرهنگی کشورش حرف بزند و در کنار آن با روایتی جذاب و البته سرگرم‌کننده از اساطیر حرف بزند. افسانه‌هایی که ریشه در فرهنگ ملل دارند و این هنر نویسنده است که آنها را در قالبی تازه بریزد تا بر اثر گذر زمان به فراموشی سپرده نشود. حالا این را باید در کنار همراهی دیگر قالب‌های هنری با یک اثر ادبی قرار داد. موجی که با انتشار رمانی مانند هری پاتر ایجاد شد و ترجمه‌های آن به زبان‌های مختلف منتشر شد و سراسر دنیا را درنوردید.

پس می‌بینیم نوشتن از اسطوره‌های میهنی اتفاقی است که اگر نگوییم به آنها بی‌توجهیم، ولی می‌توان گفت در برابرشان احساس وظیفه نمی‌کنیم. اسطوره‌هایی که ظرفیت‌های داستانی بسیاری دارند و می‌توانند همپای داستان‌های اساطیری جهان پیش بیایند و آثار جانبی از آنها تولید شود. کافی است نگاهی به اساطیر و افسانه‌های کهن بومی خود بیندازیم تا ظرفیت‌های داستانی آنها را کشف کنیم. اساطیری که در شاهنامه فردوسی یا دیگر متون کهن وجود دارد، ولی سال‌هاست لایه‌ای صفحات کتاب‌ها منتظر یک ذهن خلاق و جسور هستند.

آرمان آرین یکی از آن نویسنده‌هایی است که سراف همین سوژه رفته و اثری خلق کرده که در آن اسطوره‌های شاهنامه را در قامت یک اثر داستانی به خواننده عرضه کرده است. سه‌گانه «پارسیان و من» یکی از آثاری است که این نویسنده بر مبنای اساطیر و حماسه‌های تاریخی نوشته و با اقبال مخاطبان نیز روبه‌رو شده است.

آرین در پارسیان و من بازآفرینی خلاقانه‌ای از شاهنامه فردوسی طوسی را در این سه‌گانه عرضه کرده است. اثری که موافقان و مخالفان بسیاری دارد و این نشان از اقبال این اثر میان مخاطبان دارد. حماسه و تاریخ ایران محور این سه‌گانه است و خواننده در مواجهه با این اثر سفری به دل تاریخ

را تجربه می‌کند. هرچند آرین فقط در این اثر سراغ حماسه‌ها و اساطیر ایرانی نرفته، بلکه در آثار دیگری مانند «حماسه سرآغاز» و... نیز خواننده را به دل تاریخ ایران و اساطیر افسانه‌ای فرهنگ ایرانی برده است. او با نگاهی امروزی، ایرانی و انسانی، زندگی در آن دوران را برای خواننده قابل تجربه می‌کند.

این کتاب که برای مخاطب نوجوان نوشته شده در واقع در نظر دارد خواننده ایرانی به خصوص این گروه سنی را با اساطیر و قصه‌های کهن آشنا کند. روایتی که با حضور نوجوانان امروز ساخته می‌شود و خواننده خود را در کنار شخصیت‌های کتاب آرین می‌بیند و پا به پای آنها برای رسیدن به بخش پایانی کتاب همراه می‌شود. اردشیر نوجوانی است که از جهان معاصر، در زمان سفر می‌کند و سر از زمانه ضحاک ماردوش بیرون می‌آورد. هستی او در مسیر این حرکت در زمان متحول و برای رستاخیزی راستین و نهایی آماده می‌شود. نکته‌ای که پیرامون سه‌گانه پارسیان و من باید یادآوری کرد روایتی ملموس و بدون پیچیدگی از شاهنامه است. پرداخت داستانی که برخاسته از تسلط آرین بر تکنیک‌های قصه‌گویی و داستان‌پردازی است در کنار عمق مطالعاتی و تحقیقی او بر زیر و بم شاهنامه فردوسی سبب شده شاهد اثری باشیم که علاوه بر مخاطب نوجوان، مخاطب بزرگسال نیز با آن ارتباط برقرار کند و از مطالعه آن لذت ببرد.

حتی بسیاری که این کتاب را خوانده و پسندیده بودند آن را نسخه ایرانی هری پاتر معرفی کرده بودند و آن را به دیگران نیز توصیه کردند. البته نباید در این بین از نقد برخی بابت تصاویر خشونت‌آمیزی که در کتاب وجود دارد گذر کرد. اما وقتی قرار است روایتی تاریخی و کهن از نبرد میان اساطیر بخوانیم طبیعی است با برخی تصاویر خشونت‌آمیز هم روبه‌رو باشیم همان‌طور که در نمونه‌های خارجی فجیع‌تر و دهشتناک‌تر از آن



سه‌گانه
«پارسیان و من»
یکی از آثاری است
که آرمان آرین
(نویسنده کتاب)
بر مبنای اساطیر و
حماسه‌های تاریخی
نوشته است

رامی‌بینیم.

در مجموع رمان سه‌گانه پارسیان و من اثری است که با نگاهی به شاهنامه خلق شده تا بازخوانی و ارجاعی برای بازگشت به این متن ادبی مهم باشد. اثری که نویسنده در آن با تمهیدات داستانی، موقعیتی ممتاز خلق کرده و دست خود را در پرداخت سوژه‌ای بکر باز گذاشته است. 📌

